

گزشتہ نام

نویسنده
محمد مہدی احدیان



دوا کی دوا

گنجینه ایران شناسی (۶)

سرگذشت نام ایران



ناشر ایران شناسی و خاورشناسی

نشانی: ایران. تهران. خیابان انقلاب. خیابان منیری جاوید (اردیبهشت) کوچه مبین، شماره ۴. پخش ققنوس

ارتباط مستقیم با شماره‌های زیر.

Www.avayekhavar.ir
info@avayekhavar.ir
Telegram & Tel: (+98) 930 554 0308
Tel: (+98) 21 888 956 21
Fax: (+98) 21 364 264 58

سرگذشت نام ایران

مؤلف: محمد مهدی احدیان

ناشر: آوای خاور

طراح جلد: استاد قباد شیوا

چاپ: لوح

چاپ اول: بهمن ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۷۵۰۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-9923-34-2

همه حقوق چاپ این کتاب محفوظ است. هر گونه چاپ یا نسخه برداری اعم از زیراکس، بازنویسی، ذخیره سازی کامپیوتری و انتشار اینترنتی بدون مجوز کتبی ممنوع است.

سرگذشت نام ایران

محمد مهدی احدیان

دانش آموخته زبان های باستانی

آوای خاور

تهران، ۱۳۹۸

سرشناسه	:	احدیان، محمد مهدی، ۱۳۵۴ -
عنوان و نام پدیدآور	:	سرگذشت نام ایران / نویسنده محمد مهدی احدیان.
مشخصات نشر	:	تهران: آوای خاور، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	:	۴۶۲ ص.
فروست	:	گنجینه ایران شناسی؛ ۶.
شابک	:	978-600-9923-34-2
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه.
موضوع	:	ایران — نام
موضوع	:	Iran — Name
رده بندی کنگره	:	۶DSR
رده بندی دیویی	:	۹۱۵/۵۰۰۳
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۹۶۵۰۵۸

فهرست مطالب

۱	 پیشگفتار
۵	 مقدمه
۹	 ۱- ریشه‌های تاریخی نام ایران
	واژه ایران از دیدگاه زبان‌شناسی تاریخی (۹) ویژگی‌های فرهنگ آریایی (۱۳) آریاییان پیش از ماد و هخامنشی (۱۵) میتی‌ها در آسیای صغیر (۱۶) کاسی‌ها در بین‌النهرین (۱۸)
۲۱	 ۲- آریا در ادبیات ودایی و اوستایی
	«آریا» در ودا (۲۲) «آریا» در اوستا (۲۳) ایرانویج (۲۴) آریا و ناآریا (۲۵) شواهد واژه آریا در اوستا (۲۶) سلم و تور (۳۳)
۳۹	 ۳- آریا در دوره ماد و هخامنشی
	نمود آریایی‌ها (۳۹) نمود آریایی هخامنشیان (۴۳) مفهوم آریایی و آریایی‌چهر در کتیبه‌های هخامنشی (۴۵) نسب آریایی (۴۵) زبان آریایی (۵۲) اهورمزدا خدای آریاییان (۵۴) نمود سیاسی آریا در سرزمین‌های هخامنشیان (۵۵) آریا در نام‌های دوران هخامنشی (۵۷) هخامنشیان و تداوم سنت‌های ماد (۶۱) هخامنشیان و آیین زردشت (۶۲) مفهوم آریایی در هزاره اول پیش از میلاد (۶۴)
۶۷	 ۴- آریا و ایران در دوره اشکانی و ساسانی
	نمود آریایی اشکانیان (۶۷) ایران و آریا در زمان ساسانیان (۷۲) نام ایران در اسناد رسمی ساسانیان (۷۳) شواهد نام ایران در کتیبه‌های شاهان ساسانی (۷۸) نام ایران در نوشته‌های مزدیسنی (۸۳) واژه ایران نزد پیروان ادیان غیر مزدیسنی (۸۴) دین و دولت ساسانی (۸۷) آریا در دوره ساسانی، تعبیری قومی یا نژادی؟ (۹۰) واژه ایران در نام‌ها، القاب و عناوین ساسانیان (۹۲) شواهد نام ایران در ادبیات پهلوی (۹۳) آلان (۱۱۹) آریا در منابع ارمنی (۱۲۰) آریا و آزادگی (۱۲۰) چهر آزاد (۱۲۲) احرار و آزادگان (۱۲۴)
۱۳۵	 ۵- نام ایران در دوره اسلامی
	واژه «ایران» برای اشاره به تاریخ باستانی (۱۳۷) تاریخ روایی یا تاریخ ملی ایران (۱۳۷) ایران به عنوان نام جغرافیایی (۱۴۵) هفت اقلیم (۱۴۷) شواهد اشاره به ایران باستان (۱۵۲) واژه «ایران» برای اشاره به دوره اسلامی (۱۷۶) شواهد سده اول تا چهاردهم هجری (۱۷۷)
۳۹۵	 ۶- گفتار پایانی
۴۰۵	 نقشه‌های تاریخی
۴۰۹	 منابع
۴۲۵	 نمایه
۴۵۱	 فهرست تفصیلی «شواهد نام ایران»

این کتاب که حاصل دست بر آوام بردن است،

تقریم به همه کسانی که ایران را دوست دارند.

از صدای سخن عشق ندیدم خوش تر یادکاری که در این گنبد دوار بماند

پیشگفتار

نام‌های جغرافیایی یا جاینام‌ها واژگانی هستند که از دیدگاه زبان‌شناختی، تاریخی، جغرافیای تاریخی و پژوهش‌های فرهنگی و سیاسی دارای اهمیت‌اند. توپونیمی یا جاینام‌شناسی به بررسی علمی جاینام‌ها از ابعاد مختلف پرداخته و آن‌ها را با محوریت زبان‌شناسی تاریخی و در نظر گرفتن اطلاعات تاریخی و جغرافیایی بررسی می‌کند. جاینام‌شناسی همچنین جاینام‌ها را از نظر نوع، خُرد یا کلان بودن و ساختار صرفی طبقه‌بندی می‌کند. آگاهی‌های به دست آمده از پژوهش‌های جاینام‌شناختی، ارزش جاینام‌ها را آشکار می‌کند و ابعاد مختلف‌شان را می‌نمایاند. شناخت تاریخ خود واژه و تاریخ مرتبط با مکان جغرافیایی از نتایج مهم جاینام‌شناسی است زیرا هر جاینام از نظر زبان‌شناختی، معنی و تاریخ ویژه خود را دارد و هیچ جاینامی بی‌معنی نیست. زبان‌شناسی تاریخی از طریق ریشه‌شناسی در زمانی (*diachronic etymology*) ما را به معنای متقدّم یا معنای تاریخی جاینام‌ها می‌رساند. جاینام‌های تاریخی به دلیل نگهداشت اطلاعات تاریخی در خود، در زمره میراث تاریخی و فرهنگی بوده و پاسداشت آن‌ها حفظ میراث تاریخی تلقی می‌شود.

نام ایران با اهمیت‌ترین کلان‌جاینام در تمدن غرب آسیا است که در عرصه‌های تاریخ، جغرافی، فرهنگ و سیاست مشهور است. تداوم کاربرد جاینام ایران طی دو هزاره اخیر درحالی که خاستگاه و ریشه آن را تا ۳۷۰۰ سال پیش می‌توان جستجو کرد، اهمیت

تاریخی این کلان جابجاء را در تمدن بشر نشان می دهد. ایرانی بودن، نه از جنبه انتساب به کشور یا مرزهایی جدید با این نام، بلکه به عنوان مشخصه تمایز قومی یا فرهنگی، ریشه‌هایی دارد که برخی به دوران تاریخی هخامنشی و ماد، و برخی به دوران اساطیری هندوآریاییان می رسد اما تحولات دوره ماد و هخامنشی آغازگر پیدایش آگاهی جمعی جدیدی بود که در ایرانشهر ساسانی نمود پیدا کرد. از آغاز دوران ساسانیان، ایران در چهارچوب هویت سیاسی و مرتبط با نام کشور و حاکمیت بر قلمروی سیاسی سربرآورد و ایرانی بودن معنایی جدید و از جهاتی قابل مقایسه و نزدیک به هویت‌های ملی عصر مدرن یافت. احساس تعلق جمعی به مؤلفه‌های تمایز سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایرانشهر و آنچه هویت کهن ایرانی بود در سراسر دوران اسلامی به شکل‌های گوناگون تداوم یافت.

چگونگی پیدایش و تکوین نام ایران، معنای تاریخی واژه ایران و آریان، شواهد نوشتاری برجای مانده از نام ایران در منابع مکتوب و مفهوم برخی واژگان مرتبط با آن از جمله آریا و عراق، موضوعاتی است که این کتاب به آن‌ها می پردازد. کوشیده‌ام بنیان مباحث، متن‌ها و شواهد دست اول تاریخی و قول صاحب‌نظران جهانی باشد. از آنجا که نام ایران میراثی برجای مانده از ایران باستان است، پژوهش درباره آن حاصل بررسی نوشته‌های باستانی، کتیبه‌ها، متن‌های باستانی و نتایج علمی مرتبط با تاریخ ایران باستان است که طی دو سده اخیر توسط ایران‌شناسان به انجام رسیده است. از دانشمندان صاحب‌نظر در موضوع نام ایران میتوان ژوزف مارکوارت، ارنست هرتسفلد، دیوید مکینزی، آرتور کریستن‌سن، کریستین بارتلمه، هرن اشمیت، گاراردو نیولی، هرولد بیلی، مانفرد مایرهورفر و رودیگر اشمیت را نام برد. نیولی، دانشمند ایتالیایی، برجسته‌ترین پژوهش‌ها درباره نام ایران ارائه کرده است. استاد ابراهیم پورداود، دکتر محمد معین، علامه دهخدا، علامه محمد قزوینی، ملک‌الشعرا محمدتقی بهار، دکتر محمود افشار، دکتر محمد مقدم، دکتر صادق کیا، دکتر احسان یارشاطر، دکتر محمد محمدی‌ملایی، دکتر محمدجواد مشکور، دکتر جلال متینی، دکتر مهرداد بهار، استاد جلال خالقی مطلق، دکتر تورج دریایی و دکتر محمدتقی راشد محصل از جمله دانشمندان ایرانی هستند که مقالات علمی درباره نام ایران به فارسی ارائه کرده‌اند و این کتاب بر تألیف نظرات و نوشته‌های آنان استوار است.

نگارنده کارشناس ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی بوده و پیش‌تر در زمینه جاینام‌شناسی و جاینام‌های ایران پژوهش‌هایی داشته و مقالاتی منتشر نموده است از جمله «درآمدی بر جاینام‌شناسی ایران»، «بررسی کلان‌جاینام‌های استان همدان» و «بررسی ریشه‌شناختی دو جاینام آدراپانا و نهاوند». این کتاب در آغاز، پژوهشی بود برای نوشتن مقاله‌ای درباره «کلان‌جاینام ایران» اما شواهد نوشتاری پرشمار در منابع تاریخی و نتایج جدید حاصل از پژوهش، نویسنده را ترغیب کرد کتابی در این موضوع فراهم آورد. مهم‌ترین دستاورد این پژوهش، رسیدن به دیدگاهی کلان و یکپارچه درباره پیدایش و تداوم مقوله‌ای به نام ایران است. نیولی در کتاب خود به نام ایده ایران، بر برآمدن ایرانشهر ساسانی تمرکز داشت. در کتاب حاضر به ریشه‌های باستانی این ایده، گسترش آن تا پیدایش واقعیت اجتماعی بزرگتری به نام ایرانشهر در دوره ساسانی، تداوم ابعاد واقعی شکل گرفته به نام ایران در دوره اسلامی و تبلور آن در دوره مدرن پرداخته شده است.

تألیف پیش‌رو که بیش از سه سال (۱۳۹۰-۱۳۹۳) زمان برده است با مجموعه بزرگی از شواهد نوشتاری مرتبط با نام ایران همراه است که می‌توانند برای دیگر پژوهش‌های تاریخی، اجتماعی و تاریخ سیاسی ایران نیز کارساز باشند. از آنجا که در گردآوری شواهد نام ایران تکیه بر کتابخانه شخصی بوده است باور دارم شواهد نام ایران بسی بیش از بضاعت این مکتوب است. شواهد ارائه شده^۱، از دوره باستان تا معاصر پیش می‌آیند تا روایت یکپارچه‌ای به دست دهند و بیش از سه هزار و پانصد سال تاریخ را در بر می‌گیرند. این شواهد از منابع به زبان‌ها و خط‌های گوناگون از جمله چندین زبان باستانی گردآوری شده است. در نقل اسامی از زبان‌های کهن، علاوه بر آنکه مطابق قواعد مرسوم در زبان‌شناسی تاریخی آوانویسی و گاه حرف‌نویسی شده است، کوشش شده با الفبای فارسی و حرکات نیز آوانویسی شود. در نقل شواهد از منابع فارسی و عربی دوره اسلامی ترجیح داده شده رسم الخطی که از آنها در دست بوده عیناً رعایت شود، ازین‌رو گاه با چند نوع نگارش واژگان و به‌ویژه اعلام مواجهیم. در دیگر نوشته‌ها، در نظر بوده دستور خط فرهنگستان رعایت شود اگرچه رسم الخط هزارساله فارسی، پیوسته‌نویسی تکوژها در

۱- بیش از ۳۳۰ منبع مختلف. نگاه کنید به «فهرست تفصیلی نام ایران» در پایان همین کتاب، صفحه ۴۵۱.

واژگان مرکب و نیز پیوستن حروف اضافه متقدم به واژه پس از خود را مجاز می‌داند. شواهد متعدد از منبع واحد، برای حفظ پیوستار روایت، با «نیز» و «و نیز» در پی هم آورده شده است که مطابق سنت نوشتاری تاریخ بیهقی است.

از استاد قباد شیوا که کتاب را به هنر خویش مفتخر ساخته و جلد کتاب را طراحی کرده‌اند سپاسگزارم. از آقای دکتر آرمان بختیاری، استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه بوعلی‌سینا که با خواندن پیش‌نویس و نسخه نهایی کتاب، نکات بسیار و ارزشمندی ارائه نمودند، همچنین از آقای دکتر بهزاد معینی‌سام استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی و آقای سلیمان مختاری مدیر انتشارات آوای‌خاور و نیز از همه کسانی که در آماده‌سازی کتاب به نگارنده یاری رساندند به‌ویژه خانم فریبا حیرانی و آقای رضا مسلمی که با مطالعه نسخه نهایی کتاب پیشنهادات ذی‌قیمتی ارائه نمودند و از هنرمند فرهیخته آقای بابک روشنی‌نژاد، مهندس باقر قوام‌پور و آقای مهدی به‌خیال که برای انتشار کتاب تلاش کردند بسیار سپاسگزارم. از خانواده‌ام، مادرم زهرا بابایی‌پور و پدرم محمد‌هادی احدیان که قصور خدمت نگارنده را در دوره تألیف کتاب متحمل شدند سپاسگزاری می‌کنم و سرانجام با پذیرش این امر بدیهی که این کتاب، می‌تواند دارای نقص‌ها و کاستی‌های بسیاری باشد، آمادگی خود را برای دریافت نظرات انتقادی و اصلاحی برای بهبود آن، اعلام می‌کنم. از استادان و خوانندگان گرامی خواهشمندم از لغزش‌ها و اشتباهاتی که در این چاپ مشاهده می‌کنند، نگارنده را مطلع ساخته و مرا مرهون احسان خود نمایند.^۱

کتاب به دست مؤلف تایپ، ویراستاری و صفحه‌آرایی شده و نهایتاً با سرمایه شخصی به چاپ رسیده است. از کسانی که مایلند این کتاب از طرف آنان به کتابخانه‌ها هدیه شود یا می‌خواهند در چاپ و انتشار شمار بیشتری از این کتاب به مؤلف یاری رسانند دعوت می‌شود به سامانه ایت‌رتی کتاب^۲ مراجعه نمایند.

محمد مهدی احدیان

همدان، آذر ۱۳۹۸

۱- ایمیل مؤلف: m.ahadian@gmail.com

۲- وب سایت دائمی کتاب: www.iran-name.ir

مقدمه

دو هزار سال از کوچ آریاییان به سرزمین‌های ایرانی گذشت تا واژه «ایران» و معادل آن «آریان» برای نامیدن سرزمین‌های غرب آسیا، از سند تا فرات، به کار رفت و حدود دو هزار سال است که این نام کاربرد دارد. این کتاب داستان نام ایران و سرگذشت شگفت‌انگیز آن است و مجموعه‌ای بزرگ از شواهد تاریخی نام ایران را ارائه می‌کند. کتاب با معرفی آریاییان و ویژگی‌های فرهنگی آنان آغاز می‌شود و به کاوش ریشه‌های نام ایران در کتیبه‌ها و نوشته‌های باستانی غرب آسیا می‌پردازد، آنگاه به معنی و مفهوم واژه ایران پرداخته و با بررسی انواع نوشته‌های تاریخی، تا عصر ما پیش می‌آید. روایت پیش روی، حاصل پژوهش‌های زبانشناسی تاریخی و کنکاش در تاریخ و ادبیات چهار هزار ساله است.

نام «ایران» مهم‌ترین جاینام^۱ در حوزه تمدن ایرانی و غرب آسیا است. ردپای این نام در متن‌های گوناگون دوره‌های تاریخی به زبان‌های مختلف برجای مانده است. دیرینگی نام «ایران» و ارتباط آن با واژه کهن‌تر «آریا» و معنای افتخارآمیز آن در منابع تاریخی مورد توافق عموم دانشمندان است اما زمان و چگونگی ورود و تداوم این نام در حوزه جغرافی و سیاسی جهان مورد بحث بوده است. از دیدگاه جاینام‌شناختی^۲، واژه «ایران» کلان‌جاینامی تاریخی اما زنده در عرصه‌های جغرافیایی، فرهنگی، سیاسی و جغرافیای سیاسی است. جاینام‌شناسی یا

۱- جاینام/ جای‌نام: *toponym* ترکیب اضافه مقلوب از «نام‌جای»، نام جغرافیایی.

کلان‌جاینام: نام جغرافیایی بزرگ، *macro-toponym*.

۲- جاینام‌شناسی: علم بررسی جاینام‌ها، *toponymy*.

بررسی علمی جاینام‌ها، بر مبنای داده‌های تاریخی و جغرافیایی در کنار نتایج بررسی‌های زبان‌شناسی تاریخی مربوط به آن‌ها انجام می‌شود. نتایج به‌دست‌آمده از جاینام‌شناسی نشان می‌دهد که هر نام جغرافیایی چگونه شکل گرفته و چه مراحل زبان‌شناختی را از سر گذرانده است، به چه محدوده جغرافیایی اطلاق می‌شده، چه تاریخی را در خود نهفته دارد و چه مردمانی و بر مبنای چه تفکری آن نام را برگزیده‌اند.^۱

در اسناد تاریخی به زبان‌های غیرایرانی و به دلایل تاریخی معمولاً «ترجمه نام ایران» در آن زبان‌ها (مثلاً «فارس» و «پرشیا») به کار رفته است و نه خود واژه «ایران». در این کتاب مجموعه‌ای از شواهد تاریخی نام ایران، از کهن‌ترین نوشته‌های جهان تا پایان دوره قاجاری، با تأکید بر واژه «ایران» و نه معادل‌ها و ترجمه‌های آن در زبان‌های دیگر، ارائه شده و تاریخ واژه ایران با اشاره به ابعاد گوناگون آن به‌دست داده شده است.

اسناد نوشتاری کم‌شماری از ایران‌باستان برجای مانده است اما مهم‌ترین آن‌ها، سکه‌ها و سنگ‌نبشته‌های دولت‌های هخامنشی، ساسانی و کوشانی است که همگی نمود آریایی-ایرانی دارند؛ به طوری که صورت‌هایی از واژه «آریا» یا «ایران» در آن‌ها ذکر شده است. مجموعه‌ای از نوشته‌ها و کتاب‌ها به زبان اوستایی و زبان‌های ایرانی‌میانه نیز برجای مانده است که شامل کتاب اوستا و نوشته‌های دینی زردشتی، مانوی، مسیحی و بودایی و برخی کتاب‌های غیردینی فارسی‌میانه است. در این نوشته‌ها نیز با وجوه گوناگون جغرافیایی، دینی، اساطیری و سیاسی واژه آریا یا ایران روبرو هستیم.

آریایی بودن در دوره ماد و هخامنشی وجه مشترک هویت طوایف ایرانی بوده است و آگاهی آنان از این هویت، در آثار و گزارش‌های تاریخی نمود یافته است. نام ایران از همان هویت مشترک ایرانیان برخاست و در دوره ساسانی به نماد اتحاد در برابر روم تبدیل شد. نقش برجسته شاپور اول، دومین پادشاه ساسانی، درحالی که سوار بر اسبی باشکوه است و والین امپراتور روم در برابرش زانو خم کرده است، به همراه کتیبه مفصلی بر دیوار کعبه زردشت که ماجرای پیروزی شاپور بر روم را به زبان یونانی و دو زبان ایرانی پارسیگ و پهلوانیگ روایت می‌کند (تصویر ص ۴۰۳)، تصویر تولد «نام ایران» در ادبیات سیاسی جهان

۱- نک. احدیان و بختیاری (۱۳۸۸) «درآمدی بر جاینام‌شناسی ایران»، نشریه دانشگاه فردوسی، پیاپی ۱۶۵.

است. سقوط ساسانیان خللی در آگاهی ایرانیان از ایرانی بودن و نام سرزمین‌شان ایران پدید نیاورد، آنچنان که نوشته‌های فارسی و دیگر منابع دوره اسلامی طی هزار سال به طور پیوسته دربردارنده نام ایران بوده‌اند. در فصل پنجم کتاب، شواهد دوره اسلامی به تفکیک هر سده ارائه شده است.

یکی از مؤلفه‌های مؤثر بر هویت ملی یک کشور، نام آن کشور است که در ایجاد، حفظ، یکپارچگی و وحدت ملی آن کشور تأثیرگذار است.^۱ هویت ملی ایرانی شامل چهار مؤلفه اصلی «سرزمین»، «تاریخ»، «فرهنگ» (شامل: زبان، دین، مجموعه آیین‌ها و سنت‌ها) و «حکومت» است.^۲ در این کتاب خواهیم دید که نام ایران با همه چهار مؤلفه هویت ملی و اجزای آن پیوندهای تاریخی دارد. ممکن است در دوره مدرن، دیدگاه‌های ناقص، یکسویه یا افراطی، افق نگاه به نام ایران را برسازد و معانی تاریخی «ایران»، «ایران زمین» و «ایران شهر» را دچار آشفتگی نماید. چنین آشفتگی‌هایی می‌تواند در درک معنای تاریخی «ایرانی بودن» که سده‌های متمادی در تمدن غرب آسیا کاربرد داشته سردرگمی ایجاد کند، هویت تاریخی مربوط به آن را مغشوش نماید و از طریق آن بر هویت ملی مدرن نیز اثر گذارد. نام ایران همچنین در حوزه جغرافی غرب و میانه آسیا، گستره‌ای مرزمند و شناخته شده بوده که از رود سند تا فرات، از آسیای مرکزی تا غرب آسیا را دربرمی‌گرفته است. با معرفی اسناد تاریخی به وجه جغرافیایی نام ایران و ایران زمین نیز خواهیم پرداخت.

۱- نک. حافظ‌نیا، ۱۳۸۱، ص ۹

۲- احمدی، ۱۳۸۷، ص ۲۵

ریشه‌های تاریخی نام ایران

واژه ایران از دیدگاه زبان‌شناسی تاریخی

بنا به نظر اشمیت^۱، واژه فارسی «ایران» (*Iran*) دنباله واژه فارسی میانه *Ērān* (ایران با یاء مجهول^۲)، از ریشه ایرانی‌باستان **arya-* (معادل فارسی‌باستان *ariya-* و اوستایی *airiia-*) مترادف با «آریا» است. واژه آریا را همه اقوام «آریایی» یا «هند و ایرانی» ایران و هند باستان برای نامیدن خود به کار می‌برده‌اند. صورت اولیه و اصلی واژه «ایران» را نمی‌توان به‌درستی بازشناخت، اما با توجه به صفت اوستایی *airiiana-* «آریایی»، می‌توان آن را برگرفته از صورت اضافی جمع این واژه ایرانی دانست که به سرزمین یا کشور اطلاق شده است، یعنی: **Ariiānām*، تقریباً به معنی «سرزمین آریاها» *Ariiānām dahiuš* یا «شهریاری آریاها» **Ariiānām xšaθra-* (< فارسی میانه «ایران‌شهر» *Ērān šahr*)^(۱).

واژه «آریا» در اصل صفتی به معنی «نجیب‌زاده»، «شریف» و «آزادزاده» بوده و به تدریج کاربرد اسمی پیدا کرده است چنان که واژه آریا در ادبیات اوستایی و نوشته‌های هخامنشیان

۱- Schmitt, Rüdiger ایران شناس آلمانی و متخصص زبان‌های هند و اروپایی، متولد ۱۹۳۹.

۲- یاء مجهول که در زبان‌شناسی با نشانه *e* نشان داده می‌شود، یکی از مصوت‌های بلند زبان‌های ایرانی میانه غربی است که به فارسی دری رسید اما در فارسی امروز ایران (فارسی نو) همانند ایه تلفظ شده و با *i* نمایش داده می‌شود (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳). یاء مجهول در بسیاری از زبان‌ها و گویش‌های محلی ایران باقی مانده است. در خط کردی با *î* و در پشتو با *î* از ی مشخص می‌شود.

به عنوان قوم نام به کار رفته است. بنا به اسناد نوشتاری باقی مانده، واژه آریا را ایرانیان^۱ و هندیان باستان برای نامیدن خود به کار برده‌اند. اطلاعات تاریخی، فرهنگی، مذهبی و زبان‌شناسی تاریخی متعلق به مردم هند باستان و ایران باستان نشان می‌دهد آنان در اصل مردمی واحد بوده‌اند که از اوایل هزاره دوم پیش از میلاد به تدریج از یکدیگر جدا شده و در سرزمین‌های هند و ایران ساکن شده‌اند. زبان مشترکی که آنان پیش از جدایی داشته‌اند را زبان «آریایی مادر» یا «پیش‌آریایی» می‌نامیم. «آریا» نامی بوده است که مردمان آریایی زبان در مقابل «ناآریا بودن» مردمانی از همان سرزمین‌ها به خود می‌داده‌اند. امروزه به «آریاییان»، مردم «هندوایرانی» نیز می‌گوییم. همچنین به گروهی که در هند ساکن شدند «هندوآریایی» و به آنان که در ایران مسکن گزیدند «ایرانی» گفته می‌شود.^(۲)

ناحیه اولیه استقرار «آریاییان» احتمالاً در حوالی کناره‌های شمالی دریای سیاه قرار داشته است.^۲ آثار آریاییان در نواحی بسیار وسیعی در شرق دریای خزر^۳ شامل دریاچه‌های اورال و توبول و گرداگرد دریای خوارزم (= دریاچه آرال) نیز به دست آمده است. اجداد آریاییان در اوایل هزاره دوم پیش از میلاد یا قبل از آن، از عرض‌های جغرافیایی شمالی‌تر به سوی ایران و هند حرکت کردند. مهاجرت به عرض‌های جنوبی‌تر، احتمالاً از هر دو سوی دریای خزر (خوارزم در شرق و قفقاز در غرب) و عمدتاً از خوارزم صورت گرفت. بنا به قدیمی‌ترین شواهد، برخی آریایی‌ها در اواسط هزاره دوم پیش از میلاد به غرب آسیا رسیده و در آنجا حضور داشته‌اند.^(۳) اطلاعات ما از نخستین آریاییان شامل سه گروه آریاییان

۱- مردمان اوستایی، سکا، ماد، هخامنشی، کوشانی، اشکانی و ساسانی.

۲- ناحیه‌ای به نام کورگان (*Kurgan*) که شامل آثار تمدن کهن و مجموعه‌ای از گورها است. به عقیده لوکوک، اصل این واژه ایرانی است و واژه روسی کورگان به واسطه ترکان از واژه فارسی گورخانه اقتباس شده است (لوکوک، ۱۳۸۶: ۳۱). هزاران عدد از این گورهای تپه‌ای شکل که کورگان خوانده می‌شوند در کشور اوکراین قرار دارند. ارتفاع آن‌ها معمولاً بین یک تا سه متر است. کورگان‌ها در مناطق گسترده‌ای از جنوب شرق اروپا تا شمال قفقاز و آسیای مرکزی و جنوب سبیری یافت می‌شوند ولی تجمع چشمگیر آنها در حوالی رود دنیپر اوکراین و جنوب روسیه است. قدمت کورگان‌ها از هزاره چهارم ق.م. تا هزاره اول ق.م. است و عمدتاً به اقوام هندوآریایی تعلق دارند. کورگان‌هایی از سکاها در پازیریک در غرب کوه‌های آلتای پیدا شده که همزمان با پادشاهی ماد و هخامنشی است.

۳- فرهنگ باستانی آندرونوو (*Andronovo*) در سرزمین‌های شرق خزر تا نواحی سردسیر قزاقستان در سبیری پیدا شده است و احتمالاً مربوط به مردم پیش‌آریایی یا ایرانیان اولیه (یا سکاها) است اما به نظر اشمیت هنوز قطعی نیست.

آسیای صغیر، آریاییان هند و آریاییان ایران است. کهن‌ترین گروه آریایی که از آنان مدارک نوشتاری به جا مانده، آریاییان آسیای صغیر^۱ است و از وجود آریاییان کُسی (کاسی) در غرب ایران نیز شواهدی در دست است اما ادبیات شفاهی بسیار کهنی میان گروه‌های «هندوایرانی» هزارهٔ دوم پیش‌از میلاد رواج داشته است که بعدها به نوشتار درآمد و به ما رسیده است. بخش مهمی از این ادبیات کهن، به زبان‌های «سنسکریت وِدايي» و «اوستایی» است. ادبیات وِدايي و اوستای گاهانی، کهن‌ترین ادبیات موجود از خانوادهٔ زبان‌های هندواروپایی^۲ است.

نخستین گروه ایرانیان که به سرزمین‌های میان خزر و خلیج فارس رسیدند، ایرانیان غربی شامل مادها و پارس‌ها بودند. آنان در اواخر هزارهٔ دوم و اوایل هزارهٔ اول پیش‌از میلاد به غرب و جنوب فلات ایران رسیدند. کمی بعد از آنان، دیگر ایرانیان به نواحی شرقی فلات ایران رسیدند و از مرو و بلخ تا بلوچستان ساکن شدند. نشانه‌های حضور مادها و پارس‌ها در مرکز و غرب ایران از نیمهٔ قرن نهم پیش‌از میلاد در کتیبه‌های آشور بازتاب یافته و نشان می‌دهد مادها و پارس‌ها در

۱- آسیای صغیر: سرزمین آناتولی. یونانیان باستان به شرق دریای اژه، آناتولی می‌گفتند به معنی شرق یا طلوع خورشید که برابر با آسیا دانسته می‌شد. با آگاهی یونانیان از سرزمین‌های شرق مدیترانه، مناطق غرب رود هالیس تا دریای مرمره (یعنی نیمهٔ غربی ترکیه امروزی) را آسیای سفلی یا همان آناتولی گفتند و سرزمین‌های شرق رود هالیس و فرات شامل شمال بین‌النهرین و فلات ایران را آسیا خواندند (نک. هرودوت، کتاب اول: ۷۲). امروزه آسیای صغیر تقریباً برابر با آناتولی یا مرزهای کشور ترکیه امروزی فرض می‌شود و آسیا به همهٔ سرزمین‌های شرق مدیترانه تا اقیانوس آرام گسترش معنایی یافته است.

۲- از قرن شانزدهم میلادی به تدریج مشخص شد بسیاری از زبان‌های آسیا و اروپا مانند فارسی، انگلیسی، اسپانیایی، روسی، آلمانی، فرانسوی، یونانی، ارمنی و هندی نیای مشترکی داشته و از یک زبان کهن مشتق شده‌اند. این زبان‌ها که از هندوستان تا غرب اروپا گسترده‌اند به خانوادهٔ زبان‌های «هندواروپایی» مشهور شده‌اند. گویشوران هندواروپایی احتمالاً تا حدود هزارهٔ چهارم پیش‌از میلاد مردمی واحد بوده و در دشت‌های شمال دریای سیاه و جنوب روسیه می‌زیستند، سپس در گروه‌های مختلف به اطراف کوچ کردند. جدایی آنان از یکدیگر باعث تحولات متفاوت در زبان‌شان شد. امروزه چند صد زبان هندواروپایی وجود دارد که در چند شاخهٔ اصلی مانند هندوایرانی، ژرمنی، اسلاوی، ایتالی، ارمنی و آلبانیایی دسته‌بندی می‌شوند. به گروهی از هندواروپاییان که به شرق حرکت کردند و بعداً به هند و ایران رسیدند، «هندوایرانی» یا «آریایی» گفته می‌شود.

محدوده‌ری و کاشان تا کرمانشاه و از دریاچه ارومیه تا فارس حضور داشته‌اند. دو سده پس از آن، مادها و پارس‌ها پادشاهی‌های بزرگی به مرکزیت همدان و آنتشان (در نزدیکی شیراز) تشکیل دادند. این تحولات همزمان بوده است با فروپاشی پادشاهی ایلام و ویرانی شوش به دست پادشاهی آشور. شاهنشاهی هخامنشی از زمان کوروش، میراث پادشاهی‌های فروپاشیده اورارتو، ایلام، آشور، بابل و ماد را به خود جذب کرد و نگارش یکی از آنها بود. نوشتن به زبان آریایی احتمالاً به فرمان داریوش آغاز شد و برای این کار خط میخی ویژه‌ای ساختند. کتیبه بزرگ داریوش در بیستون (تصویر ص ۱۹)، نخستین نوشته آریایی و کهن‌ترین متن تاریخ‌دار همه زبان‌های هندواروپایی است. همزمان با این تحولات، زبان اوستایی در شرق ایران حضور داشت. ادبیات اوستایی که بخشی از میراث ادبی آریایی و پیش‌آریایی را در سروده‌های زردشتی حفظ کرده بود در زمان ساسانیان با خط دین‌دبیره به دقت به نگارش درآمد. برخی سروده‌های گاهان (کهن‌ترین بخش اوستا) شباهت کامل به نوشته‌های کهن ودایی دارند حتی عبارات مشابه دارند.

چهار زبان اوستایی، سکایی، مادی و فارسی باستان شناخته شده‌ترین زبان‌های ایرانی باستان هستند. از وجود پارتی باستان و تنوع گویش‌های اوستایی نیز آگاهی داریم. به دلیل وجود زبان‌های ایرانی میانه^۱ مانند خوارزمی، سغدی، ختنی و سمرتی و همچنین انواع زبان‌های ایرانی نو در هزار سال اخیر (مانند بلوچی، انواع کُردی، سمنانی، طبری، پشتو) می‌توان به وجود زبان‌های ایرانی باستان بیشتری یقین داشت اما مستقیماً چیزی از ادبیات دوره باستان آنان در دست نیست.

از آنجا که هنوز آگاهی دقیقی از ایران پیش از مادها، وضعیت دولت‌های ایرانی پیش از دولت ماد و چگونگی کوچ آریاییان از سرزمین‌های هندواروپایی و رهسپاری‌شان به سوی

۱- به زبان‌های ایرانی از پایان هخامنشی (۳۳۰ ق.م) تا پایان ساسانی (۶۵۱ م.) زبان‌های «ایرانی میانه» گفته می‌شود. مهمترین زبان‌های ایرانی میانه غربی عبارتند از فارسی میانه یا پهلوی و پهلوی اشکانی یا پارتی (پهلوانیگ) و زبان‌های ایرانی میانه شرقی عبارتند از سغدی، خوارزمی، بلخی، سکایی و ختنی. ختن شرقی‌ترین مسکن اقوام ایرانی در شمال تبت و جنوب کوه‌های آلتای بود که بعداً ترکستان و صحرای ترک مکان خوانده شد و امروزه شین‌جیانگ نام دارد.

ایران و هند موجود نیست، از همه شواهد و دستمایه‌های زبان‌شناختی، باستان‌شناختی، اسطوره‌شناختی و مانند آن بهره گرفته می‌شود تا آگاهی ما از آریاییان افزون شود^(۴). همچنین پژوهش‌های نام‌شناختی عمیقی روی آثار زبان‌های غیرآریایی غرب آسیا متعلق به هزاره دوم پیش از میلاد، از ایلام و آسیای صغیر تا سوریه و فلسطین انجام شده است تا ابعاد نخستین حضور آریاییان در پادشاهی‌های غرب آسیا آشکارتر شود^(۵).

مدارک زبانی برجای مانده از زبان‌های ایران و هند در دوره باستان که برای شناخت آریاییان و فرهنگ آریایی و پیش‌آریایی به کار می‌روند چهار گروه است:

۱- ادبیات ودایی و اوستایی ۲- اسناد و کتیبه‌های هخامنشی و مادی ۳- مدارک آریاییان میتنی و کُسی ۴- شواهد سکایی و سَرمَتی.

ویژگی‌های فرهنگ آریایی

به نوشته اشمیت، شناخت ما از آریاییان مشتمل بر حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی، حوزه زبان و ادبیات، ادیان و اساطیر، سنت‌ها، و نظام اجتماعی و حکومتی ایشان است. زبان‌های آریایی شناخته‌شده تشابه قابل‌ذکری با یکدیگر دارند. کهن‌ترین نوشته‌ها به زبان‌های آریایی شامل سروده‌های ودایی، متن‌های اوستایی و کتیبه‌های هخامنشی است. شباهت نوشته‌های ودایی و اوستایی به یکدیگر، تطابق زبان‌شناختی و اشتراکات معنوی و فرهنگی آن‌ها را نشان می‌دهد. عبارات شعری ودایی و اوستایی، ویژگی‌های مشترکی دارند که میراث «پیش‌آریایی» به شمار می‌رود. زبانی بازسازی شده فرضی که جد مشترک زبان‌های تاریخی هندوایرانی بوده است، «زبان آریایی مادر» یا «زبان پیش‌آریایی» نامیده می‌شود^(۶).

سنت‌های موروثی آریایی عموماً به حوزه اصطلاحات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی تعلق دارند و تقریباً انحصاری این زبان‌ها هستند. برخی اصطلاحات^۱ عبارتند از:

۱- در اینجا به صورت‌های اوستایی این اصطلاحات بسنده شده و از آوردن معادل‌های سنسکریت آنها که پرفسور اشمیت در مرجع ذکر نموده، صرفه نظر شده است.

xsāora- (خَشَر، پادشاهی، فرمانروایی)، *haēna-* (سپاه دشمن)، *šoiōra-* (شُیَر، خانه با زمین کشاورزی)، و مشخصه‌های یک جامعه در سه طبقه *zaotar-* (پرستار دینی، روحانی)، *nar-* (پهلوان، جنگاور)، *vāstar-* (دامدار) و مفاهیم مجرد مانند مفهوم مذهبی - فلسفی اَرَتَ (**ita-*) به معنی راستی، نظم کیهانی، فرمان قدسی مبتنی بر حقیقت، حق)، *yasna-* (قربانی، پرستش)، *maōra-* (مَثَر، نطقِ رُوحانی) ^(۷).

مجموعه خدایان پیش‌آریایی، بعدها در فرهنگ هند و ایران باستان میراثی به‌جای گذاشت که برخی از آنها نمود طبیعت یا نیروهای طبیعی بودند مانند خورشید، ماه، آب، آتش و باد، و برخی نیز انگاره‌های انتزاعی را دارای شخصیت کرده بودند مانند میثَر (*miora-* مهر، پیمان، میترا) و ایندَر (*indra-*) که اژدهای ورتَر (*vritra-*) را که آب را در سینه کوه‌ها بازداشته بود، درهم شکست و آب را روان ساخت. برخی دیگر از خدایان نیز آیینی بودند مانند آتر (*atar-* آتش) و هئوم (*haoma*، هوم) که در مراسم قربانی نقش داشتند ^(۸).

نزدیکترین پیوند میان کهن‌ترین ادبیات هندوآریایی و ادبیات ایرانی، در حوزه اسطوره‌ها است. قبل از جدایی ایرانیان شرقی و غربی از یکدیگر، یعنی در سده‌های نخست هزاره دوم پیش‌ازمیلاد، مجموعه‌ای از اساطیر و افسانه‌های جهان ایرانی شکل گرفته بود. جدایی و گسترش آریاییان موجب پدید آمدن روایات گوناگونی از اساطیر اولیه آریاییان در هند و در جای‌جای ایران شد مانند اسطوره یم (*Yama*، جم، جمشید) پسر ویوهَوَنت (*Vivahvant*) که نخستین انسان بود و اسطوره گیومَرَد (کیومرث) که او را یکی از غول‌های نخستین اساطیر هندواروپایی دانسته‌اند که جهان از اندامش ساخته شد و با خورشید پیوند داشت. همچنین اسطوره فریدون (تریت ودایی) که بر اژی دَهاک (ذهاک، مُعَرَب: ضحاک) سه‌پوزه سه‌سر شش چشم پیروز شد و به اساطیر هندوآریایی تعلق دارد ^(۹).

آریاییان یک سنت شعری (عمدتاً مبتنی بر اشعار آیینی) و یک زبان شعری با قالب‌های ثابت و الگوهای مُسَجَّع نیز داشتند که در ادبیات ایرانی باستان و ودایی حفظ شد. اشارات اوستا و ودا به سروده‌های مذهبی و سرایندگان قدیمی‌تر نشان می‌دهد که در زمان کهن‌تر «پیش‌آریایی»، سروده‌های نیایشی به شعر کوتاه و بنیادی هشت هجایی در کنار اشعار

تمثیلی یازده هجایی^۱ وجود داشته که از بر خوانده می‌شدند^(۱۰). کُشتی بر کمر بستن^۲، رسم در دَخمه (= جای داغ) نهادن مردگان^(۱۱) و تقسیم زمین به هفت اقلیم یا ناحیه^(۱۲) نیز از مشترکات ایرانیان و هندیان باستان بوده و بنابراین از مشترکات «پیش‌آریایی» به شمار می‌رود.

واژه «آریا» (*arya-*) نیز از جمله بارزترین مشترکات آریاییان و مورد کاربرد ایشان بوده، بنابراین متعلق به زمان پیش از جدایی هندوایرانیان از یکدیگر بوده است ازین‌رو کاربرد آن دست‌کم به اوایل هزاره دوم پیش‌از‌میلاد یعنی حدود چهار هزار سال پیش باز می‌گردد.

آریاییان پیش از ماد و هخامنشی

بنا بر کتیبه‌های به‌جای‌مانده پیشینه حکومتداری آریاییان در غرب آسیا به هزاره دوم پیش از میلاد می‌رسد. لوح‌های میخی الأمارنه مصر، اسناد میتنی^۳ (میتانی) و مدارک کَسی^۴ حاوی کهن‌ترین گزارش‌های نوشتاری از پاره‌ای عناصر اساطیری و افسانه‌های آریایی- ایرانی‌اند و به سده ۱۵ پیش‌از‌میلاد و پس از آن تعلق دارند^(۱۳).

۱- برای نمونه‌های شعر ایران باستان و میانه ر.ک. کتاب شعر در ایران پیش از اسلام، دکتر محسن ابوالقاسمی.

۲- کُشتی شالی بوده که ایرانیان بر کمر می‌بسته‌اند. این رسم هنوز در کردستان و خراسان برجا است. نام ورزش کُشتی نیز از همین واژه است و «کُشتی گرفتن» در اصل به معنی گرفتن کمر و کُشتی حریف است. در شاهنامه فردوسی درباره نبرد رستم و سهراب آمده است: «به کُشتی گرفتن نهادند سر/ گرفتند هر دو دوال کمر». کمر بستگی، یک وجه آیینی نیز داشته است، آنچنان که در آیین زردشتی، کُشتی یا کُشتی نام شال نخی آیینی است که سه دور به دور کمر بر روی سِدره (پیراهن گشاد و بلند سپید رنگ بدون یقه) بسته می‌شود و یک زردشتی در همه حال باید کُشتی بسته باشد. در شاهنامه درباره پذیرش دین زردشت توسط درباریان گشتاسپ آمده است: «همه سوی شاه زمین آمدند/ بیستند کُشتی، به دین آمدند».

۳- (Mi-ta-an-ni) *Mitanni*

۴- *Kassite*، اکدی *Kaššu*. احتمالاً قبایلی ساکن در مناطقی از کوهستان زاگرس مرکزی بودند که از سده ۱۶ تا میانه سده ۱۲ پیش از میلاد بر بابل و حوزه دیاله فرمان راندند. ممکن است آنها یا قبایل متأخرتر *Kissai* که در زمان هروودوت و آشیل و تا زمان اسکندر و آنتیوخوس سوم از آنها یاد شده و در نواحی شمال شوش و کوهستان‌های بختیاری (در غرب اصفهان) ساکن بودند، مرتبط بوده‌اند (ویندفوهر، ۲۰۰۶).

میتنی‌ها در آسیای صغیر

نخستین ظهور آریایی‌ها در تاریخ، در حدود اواسط هزاره دوم پیش‌ازمیلاد، در شمال بین‌النهرین و در امپراتوری هوری^۱ - میتنی (میتانی) روی داد و گروهی از آریاییان در آنجا یک حکومت اشرافی تشکیل دادند. این آریاییان بر نوشته‌های میخی سده‌های ۱۴ و ۱۵ و شاید ۱۳ پیش‌ازمیلاد امپراتوری میتنی و حکومت سوریه و فلسطین تأثیرات فرهنگی و سیاسی گذاشتند^(۱۴). در واقع مردمان هوری که حکومتی در شمال بین‌النهرین در حدود سده ۱۹ پیش از میلاد تشکیل دادند، یک طبقه رهبران آریایی داشتند که به آنها سازمان ارتشی می‌داد و سیاست آنها را اداره می‌کرد. هوری‌ها زیر رهبری آریاییان، دولت آریایی میتنی را تشکیل دادند که نواحی شمال بین‌النهرین را در بر می‌گرفت. این دولت بر آشور^۲ چیره شد و صدها سال بر آن فرمانروایی کرد و در سده ۱۵ پیش‌ازمیلاد در اوج قدرت منطقه بود. دولت آریایی میتنی در سال ۱۳۷۰ پیش‌ازمیلاد به دست پادشاه هیتی^۳ برچیده

۱- *Hurri (Hu-ur-ri)* هوری‌ها (حوری‌ها/ خوری‌ها). (در این کتاب با ه نوشته شده است که H را نشان میدهد، گرچه اصلاً در برخی موارد با ح و خ نیز آمده است.) هوری‌ها مردمانی بودند که میان سال‌های ۲۳۰۰ تا ۱۰۰۰ پیش از میلاد در شمال بین‌النهرین و شرق و مرکز آناتولی زندگی می‌کردند. بخش بزرگی از جمعیت پادشاهی هیتی در آناتولی را نیز مردمان هوری زبان تشکیل می‌دادند. مهم‌ترین تبلور حاکمیتی هوری‌ها، تشکیل پادشاهی میتنی (میتانی) بود که رهبران آریایی در رأس آن قرار داشتند و زبان هوری‌ها را به کار می‌بردند. زبان هوری‌ها به خط میخی اکدی نوشته می‌شد و به همراه زبان اورارتوها به خانواده زبان‌های شمال شرقی قفقازی مرتبط بوده است. مردمان هوری‌زبان تا اوایل عصر آهن در سایر مردمان جذب شدند. بیشترین نوشته‌های زبان هوری از شهر *Hattusa (Hattuša)* بدست آمده و مهمترین نوشته آنها، نامه *Tushratta* پادشاه میتنی به آمین‌هؤپ سوم *Amenhotep III* فرعون مصر است.

۲- نام سرزمینی در بخش بالایی رود دجله در شمال بین‌النهرین، در حدود موصل که در شمال غربی کشور کنونی عراق قرار دارد. اکدی *Aššūrāyu* آرامی *Ašūr* عبری *Aššūr* عربی آشور. ایرانی‌باستان آشور، ایرانی‌میانه آشورستان، یونانی *Syria* انگلیسی نو *Assyria* مردم آشور در آغاز تابع حکومت بابل بودند، اما با اتحاد شهرهای شمال بین‌النهرین حکومتی مقتدر و مشهور تشکیل دادند.

۳- *Hitti* هیتی‌ها مردمان عصر برنز در آناتولی بودند که به زبان‌های هندواروپایی (موسوم به شاخه آناتولیایی) سخن می‌گفتند. آنان در سده ۱۸ ق.م حکومتی در شمال و مرکز آناتولی بنا نهادند که در سده ۱۴ ق.م به اوج قدرت و وسعت خود رسید. پادشاهی هیتی در سده ۱۲ ق.م از هم گسیخت و به تشکیل دولت شهرهای متعددی انجامید که برخی از آنها تا سده ۸ ق.م و روزگار مادها دوام یافتند.

شد. آریاییان میتنی بکارگیری اسب را در آسیای غربی معمول کردند. شواهد وجود اسب از آغاز هزاره دوم پیش از میلاد در آسیای غربی دیده می‌شود اما اسب‌سواری (سوارکاری) یک پدیده «آریایی» است و پیش از آنکه آریاییان اسب‌سواری را در آنجا معمول کنند، در غرب آسیا از اسب برای بارکشی یا بستن به گاری استفاده می‌شد.^۱

با اینکه زبان رسمی و مکتوب دولت میتنی‌ها زبان هوری بوده ولی زبان طبقه حاکم، «زبان آریایی» بوده است.^۲ فهرستی از اصطلاحات یکدست آریایی برای اسب‌سواری در دولت میتنی به جای مانده است. همه رهبران میتنی‌ها نیز نام‌های آریایی دارند. بنا به نظر نیبرگ^۳ بسیاری از این نام‌ها قابل بازشناسی نیستند زیرا نماینده یک مرحله زبانی کهن هستند، ولی تعدادی از نام‌ها به خوبی فهمیده می‌شوند؛ از جمله «آرت‌تم» (*Artatama*) و «آرت‌مَیّه» (منش مبتنی بر آرت) که در آن‌ها واژه ایرانی‌باستان غربی آرت معادل اوستایی آش (*aša*) دیده می‌شود. در واژه «آرت‌شُور» (*Artašwara*) واژه آریایی آرت‌شُوراً (*Arta-svara-a*) دیده می‌شود که در زبان‌های ایرانی بعدی باید به صورت آرت‌هُورَ یا به

۱- در اوستا به اسب‌سواری در جنگ اشاره شده و برخی از خدایان اساطیری آریایی، گردونه‌های چهار اسبه دارند مانند مهر، ناهید و سروش. برخی نیز گردونه‌سوار بوده‌اند مانند اشی. برخی نمود اسب سفید دارند مانند تَشتر و بهرام و ایزدی به نام دُرُواسپ به معنی دارنده اسبان تندرست نگهبان چهارپایان است (آموزگار، ۱۳۸۳: ۲۰-۳۴). کهن‌ترین اصطلاحات آموزش اسب از آریاییان میتنی و قدیمی‌ترین افزارهای سوارکاری (زین و یراق و دهانه) و تصویرها و تندیس‌های سواران جنگاور از ایران زمین به دست آمده است. اسبان ماده‌ها مشهورترین و بهترین اسبان جهان باستان بوده و در نسا در ماد (نِهاوند) و ارمنستان پرورش می‌یافتند. نویسندگان یونانی اشارات بسیاری به اسبان مادی و پرورشگاه‌های آنها نموده‌اند (نک. استرابو، ۱۳۸۲: ۵۱ و ۵۸؛ شهبازی، ۱۹۸۷). واژه اسب، بخشی از نام بسیاری از شخصیت‌های اساطیری ایران است مانند گشتاسب، ارجاسب، لهراسب و غیره. اسب و هنر پرورش اسب و سوارکاری، عامل اصلی تحرک آریاییان و یکی از ارکان اصلی برکشیده شدن تمدن ایرانی و ایجاد جهانشاهی هخامنشی در گستره‌ای پهناور در جهان باستان و عامل پیروزی اشکانیان برابر سپاه سنگین روم بوده است. حضور اسب در نگاره‌های شاهنشاهی ساسانی و نیز در روایات شاهنامه فردوسی و تاریخ ملی ایران حاکی از اهمیت اسب در تمدن ایران است. بازی‌های چوگان و بُزکشی که ورزش‌های ملی و محلی ایرانیان بوده و هنوز در برخی جاها تداوم دارد، یادگار پیوند اسب با تمدن ایرانی است.

۲- پایتخت میتنی‌ها و شَهرکائی بود که واژه‌ای آریایی احتمالاً به معنای شهر ثروت، خانه ثروت است (لوکوک، ۱۳۸۶: ۳۲).

۳- Henrik Samuel Nyberg (۱۸۸۹-۱۹۷۴م). هنریک ساموئل نیبری: ایران‌شناس سوئدی که در ایران با نام نیبرگ معروف است.

صورت اوستایی آش هَوَر درآمده باشد و واژه ایرانی هَوَر برابر هندی سَوَر به معنای خورشید است. این واژه در نام شَوَرَدَت (*Šuwardata*) هم آمده است که معنایی همچون آفریده خورشید داشته است که نزد ایرانیان بعدی باید خورداد نامیده می‌شد. بنابراین خورشید و اَرَت^۱ در آنجا مشخصاً حضور داشته‌اند.^(۱۵)

در سال ۱۳۸۰ پیش از میلاد یعنی در واپسین روزهای دولت میتّی، پیمانی میان پادشاهان هیتی و میتّی بسته شده که متن آن در بُغازکوی^۲ پیدا شده است. در این پیمان‌نامه به چند خدای آریایی سوگند یاد شده که عبارتند از ایندَر (*Indra*)، میتر (*Mitra*)، ورون (*Varuna*)، ناستی (*Nasatya*). فرمانروایان میتّی یک طبقه اشراف بوده‌اند و هوری‌های زیردست به اینان نام مَرِئنی داده بودند که خاستگاه آریایی دارد و از واژه آریایی باستان *marya* «مرد» گرفته شده است. این آریاییان دارای سازمان‌های اجتماعی بودند و خود واژه «میتّی» نیز می‌تواند آریایی باشد.^(۱۶) نوشته‌های دیگری در الأمارنه مصر کشف شده که حاکی از حضور امیرنشینان آریایی در همان دوره در سوریه و فلسطین است یا آنکه زبان آریاییان بر نام‌گذاری طبقه اشراف آنجا تأثیر داشته است. این نام‌ها صورت‌هایی مشابه اردشیر، اَرَتَباز، اَرَتفرنس هستند.^(۱۷)

کاسی‌ها در بین النهرین

در سلسله کاسی‌ها (کَسّی‌ها) که میان سال‌های ۱۷۴۶ تا ۱۱۷۱ پیش از میلاد در بابل حکومت داشتند، عناصر آریایی دیده می‌شود. لوحه‌های گلی برجای مانده از ایشان نشان می‌دهد که آن‌ها با نام برخی از خدایان آریایی برخورد نزدیک داشته‌اند. در میان نام

۱- مفهوم اَرَت بعنوان یک مفهوم آریایی مشترک، به بخش اصلی باورداشت‌های آریایی مربوط بوده و یک ویژگی خاص دین زردشتی نبوده است. واژه سوش شَرَر نیز از صورت بنیادین آریایی کُشَر است به معنی آنکه نیرویش خوب است و مفهوم ایرانی کُشَر (*xšaeta*) «فرمانروایی» به چشم می‌آید (نیبرگ، ۱۳۸۳: ۳۵۰). اَرَت در کتیبه‌های هخامنشیان و بویژه کتیبه خشایارشا حضور برجسته دارد و اردشیر که نام برخی شاهان مشهور ایران باستان بوده به معنی شاه مبتی بر اَرَت است.

۲- *Boghazköy* ناحیه‌ای واقع در شرق آنکارا است و شهر باستانی هیتی‌ها *Hattusa* در آنجا واقع است. بغازکوی در شمال سرزمین کاپادوکی باستان (کاپادوکیه) قرار دارد که از ایالات زیر فرمان مادها، هخامنشیان و ساسانیان بود.

پادشاهان کاسی، نام خدای مروتش (Maruttaš) دیده می‌شود که مدارک بابلی او را با خدای بابلی جنگ و شکار نی‌نورتَه یکسان دانسته‌اند و از این رو آن را تا اندازه‌ای بر حق، با گروه خدایان ماروت هندی یکی می‌دانند. در فهرست خدایان کاسی، نام «شوری‌اش» (Šurīaš) خدای خورشید می‌آید که در آن نام خدای خورشید هندی «سُوری» (sūrya) بازشناخته می‌شود. از مدارک کَسّی برمی‌آید که واژه «خدا» به زبان کَسّی، «بوگش» بوده است که به احتمال بسیار زیاد این واژه همان واژه ایرانی غربی «بگ» (baga) و «بُهگه» هندی و «بغ» ایرانی متأخر است^(۱۸). هرودوت^۱ نام یکی از بزرگان کَسّی را «اَرِیُ‌مرد» (Ariomard) ذکر کرده که به نظر می‌رسد نامی آریایی است^(۱۹). از این رو آریاییان در هزارهٔ دوم پیش‌ازمیلاد در غرب آسیا (بخش علیای زاگرس و شرق آناتولی) حضور داشته‌اند.

۵۵۰ ق.م.	۸۵۰ ق.م.	۱۳۰۰ ق.م.	۱۷۰۰ ق.م.	۲۰۰۰ ق.م.
ادبیات مکتوب آریایی	ظهور مادها و پارسیان	ظهور حاکمان آریایی میتّی و کَسّی در غرب آسیا	جدایی هندوایرانیان	از یکدیگر
«فارسی باستان»	آغاز تک شاهی	... آغاز پیدایش ادبیات اوستایی ایرانی و ودائی هندیان ...		
سقوط بابل، آشور، ایلام				



کئیهٔ بیستون در کنار جاده همدان – کرمانشاه (شاهراه اتصال فلات ایران به بین‌النهرین از میان کوه‌های زاگرس)
آغاز ادبیات مکتوب به زبانی که داریوش آن را در این کئیه «زبان آریایی» نامیده است. (شرح در ص ۵۲)

۱- Herodotus (۴۸۴-۴۲۵ ق.م) تاریخ‌نویس یونانی اهل شهر یونانی‌نشین آسیای صغیر به نام هالی‌کارناس بود که در آن زمان زیر قدرت هخامنشیان قرار داشت. آثار شهر هالی‌کارناس در سایت باستانی بندر بُدروم (Bodrum) در جنوب غربی ترکیه برجا مانده است. درستی بسیاری از روایات هرودوت از طریق کئیه‌های هخامنشی تأیید می‌شود.

ارجاعات گفتار نخست

- (۱). اشمیت، رودریگر، ۱۳۸۲، راهنمای زبان‌های ایرانی، جلد اول، ص ۲۳
- (2). Schmitt, R (1987); ARYANS, Encyclopedia IRANICA
- (۳). لوکوک، ۱۳۸۶، کتیبه‌های هخامنشی، ص ۳۱
- (۴). بختیاری، رحمان (آرمان)، ۱۳۹۰، پیشگفتار مترجم بر کتاب مایرهوفر، آریایی‌ها در خاور نزدیک. اسطوره یا واقعیت، ص ۱۲
- (۵). برای آگاهی کامل نک. مایرهوفر، ۱۳۹۰، آریایی‌ها در خاور نزدیک-اسطوره یا واقعیت
- (6). Schmitt, R (1987); ibid
- (7). Schmitt, R (1987); ibid
- (۸). یوردلود، ۱۳۸۰: الف/۱۵۱؛ Schmitt, R (1987); ibid
- (۹). یارشاطر، ۱۳۸۳، «تاریخ ملی ایران» در تاریخ ایران کمبریج، جلد سوم، قسمت اول صص ۵۲۸-۵۳۷ و ۵۵۰
- (10). Schmitt, R (1987); ibid
- (۱۱). یوردلود، ۱۳۸۰، اناهیتا، صص ۱۴۷-۱۵۵
- (۱۲). دریایی، ۱۳۸۲، دیدگاه‌های موبدان و شاهنشاهان ساسانی درباره ایران‌شهر، ص ۲۳
- (۱۳). یارشاطر، ۱۳۸۳، همان، ص ۵۲۲
- (14). Schmitt, R (1987); ibid
- (۱۵). نیبرگ، ۱۳۸۳، دین‌های ایران باستان، ص ۳۵۰
- (۱۶). همان، ۳۴۸-۳۵۲
- (۱۷). لوکوک، پی‌یر، ۱۳۸۶، کتیبه‌های هخامنشی، ص ۳۳
- (۱۸). نیبرگ، همان، ۳۴۸ و ۳۴۹
- (۱۹). نک. تاریخ هروودوت، ۱۳۸۳، کتاب سوم، ص ۶۷